



گفت‌وگوی جابری انصاری با عزت‌الله ضرغامی در برنامه «به وقت ایران»

تقسیم بندی امروز؛ وطن پرستان ودشمنان وطن است

اسلام و ایران هیچ گاه مثل امروز با همدیگر ممزوج نشده بودند



«به وقت ایران» عنوان برنامه جدید تلویزیون خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) است که به بررسی ابعاد مختلف جنگ تحمیلی اسرائیل علیه ملت ایران می‌پردازد. این مجموعه گفت‌وگوهای تصویری با چهره‌ها و شخصیت‌های ملی با هدف واگویی انسجام و همبستگی شکل گرفته حول ایران، علل جنگ و توقف آن، و آینده سیاست‌های ملی طراحی شده است. در دومین برنامه «به وقت ایران»، حسین جابری انصاری، مدیرعامل ایرنا به عنوان یک کارشناس در بحث و گفت‌وگویی با عزت‌الله ضرغامی، وزیر سابق میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و رئیس پیشین صدا و سیما، ابعاد مختلف جنگ اخیر را بررسی کرد.

گفت‌وگو

گروه سیاسی

جنگ‌رزم صهیونیستی علیه ایران، یکبار دیگر امراملی ومساله ایران رابرچسته‌ترو به موضوع گفت‌وگوی نخبگان و جامعه ایران تبدیل کرد. به‌نظر می‌رسد این جنگ‌اجمالاً دو ظرفیت‌رادر ایران نشان داد: یکی ظرفیت دولت به معنای مجموعه حاکمیت ایران و ظرفیت دیگر، در سطح ملی و اجتماعی که جامعه ایران درجهای از انسجام یا اتحاد ملی را نشان داد. چه باید کرد که این وضعیت تثبیت شود؟

از نظر زمانی، ما چند روز بعد از خاتمه تجاوز دشمن صهیونیستی با هم صحبت می‌کنیم، اما زمانی هم به نتیجه «اسنپ‌بک» مانده که برای همین حتی به من پیشنهاد کردند این گفت‌وگو زمانی انجام شود که نتیجه این تهدیدهای تکراری مشخص شود. پاسخ من این بود که آنها خیلی وقت است که ماشه را چکانده‌اند، الان دیگر می‌خواهند چکار کنند؟ تمام گزینه‌هایی که روی میز داشتند را در جدی‌ترین و قوی‌ترین حالت خود، عمل کردند، آن هم وسط مذاکره. بنابراین خیلی مهم نیست که بعداً موضوع «اسنپ‌بک» چه می‌شود، در هر صورت بحث ما سر جای خودش باقی است. ببینید! این تجاوز خرفه‌های ما را روشن کرد و این خیلی خوب بود. نقاط قوت ما را هم مشخص کرد، این امر بسیار خوب است، زیرا بهتر است بدانیم نقاط قوت ما چیست تا هم غافل نشویم و هم دیگران تلاش نکنند ما را به غفلت بکشانند. زیرا خارج از هرگونه شعاری، دشمن واقعاً برای براندازی آمده بود. خیلی هم قوی عمل کردند. همان‌طور که خودشان گفتند، سال‌ها تمرین و روی این طرح‌ها کار کرده بودند. اساساً ما با غرب و آمریکا می‌جنگیدیم. در واقع با آنان یک جنگ ایدئولوژیک داشتیم. آنان برای آقایی و سروری غرب، ایران را مزاحم خودشان می‌بینند و همان‌طور که بارها گفته‌اند، باید سر مار را بگویم. آمده بودند کار را تمام کنند. نباید فراموش کنیم که رفتارهای اجتماعی ما دشمن را به طمع انداخت. این باید برای ما درس شود. ما خوب عمل نکردیم و دشمن به طمع افتاد و گفت الان موقعی است که عملیات نظامی بکنیم و یک جنگ هیبریدی واقعی راه بیندازیم و کار را تمام کنیم. موفق نشدند و به تعبیر رهبر انقلاب خودشان بدبخت و بیچاره شدند. به هیچ چیزی نرسیدند. هرچند با کار اطلاعاتی دقیق و قوی، توانستند فرماندهان رده یک ما را به شهادت برسانند و بخش‌های مهم نظامی و پدافندی ما را مورد حمله قرار

بدهند. اما مردم هم مورد هدف بودند. تا ترس و واهمه را در دل مردم بیندازند. احساس‌شان این بود که شاید بعضی نارضایتی‌ها و اختلافات اجتماعی که در جامعه وجود دارد، به کمک آنان می‌آید و کار نظام یکسره می‌شود. در نهایت وقتی کار به موشک‌های سجیل رسید، دست‌ها را بالا بردند و به آمریکایی‌ها پناه بردند که بگو فعالاً آتش پس! والا هرگز آتش پس نمی‌کردند. آمده بودند کار را تمام کنند. اما به فضاحت کشیده شدند و شکست خوردند و به اهداف‌شان نرسیدند و این توفیق بزرگی بود که ملت ایران کسب کرد. حالا هم که در وضعیت نه جنگ و نه صلح هستیم. ضمن اینکه در این جنگ نقاط ضعف و حفره‌های ما مشخص شد. ما در حوزه پدافندی و اطلاعاتی مشکل داشتیم، در حوزه‌های امنیتی غفلت‌هایی داشتیم، اولویت‌های خودمان را در بعضی زمینه‌ها فراموش کرده بودیم و به جای اینکه به متن بپردازیم، درگیر حاشیه شده بودیم. هروقت با نیروهای مسلح به ویژه دستگاه‌های انتظامی صحبت می‌کردم، می‌گفتم خیلی دلم می‌سوزد که شما تنوع کارهایتان خیلی زیاد شده است. هیچ کجای دنیا این همه تنوع در کار پلیس وجود ندارد. الان هم در دفاع از این نیروها صحبت می‌کنم. البته شاید (این تنوع) لازم بوده و براساس سیاست‌ها به این سمت رفته‌اند، اما باعث شد به حاشیه برویم. این مسائل روشن شد و به قول شهید بهشتی که می‌گفتند: «علیکم بالمؤمنون ولا بالحواسنی!» تا حدودی فهمیدیم قضیه چیست.

قبل از اینکه به نقاط قوت بپردازیم، به مسأله‌ای اشاره کنم. به‌باور من، سیاست فقه‌اولویت‌هاست؛ یعنی شناخت‌اولویت‌ها. چیدمان اولویت‌هاست که موفقیت مدیریت‌ها و ریاست‌ها را مشخص می‌کند. به‌نظرمی‌رسد مثلاً در اینکه خرفه‌اطلاعاتی، ضداطلاعاتی و حفاظت‌اطلاعاتی در جنبه‌هایی خودنمایی کرد، شاید ناشی از این بود که ما اولویت‌هایمان را درست نچیدیم.

می‌خواهم به نقاط قوت اشاره کنم و اینکه نقاط قوت ما چه بود که فعلاً بر نقاط ضعف غلبه کرد. اما سخن شما درباره «فقه‌اولویت‌ها» حرف خوبی است که برای اولین بار می‌شنوم. قاعده مدیریتی همیشه همین است و در حکمرانی و کشورداری از همه مهم‌تر است. ما در این جنگ سه تا نقطه قوت داشتیم که در صحنه خودشان



برخی از مسئولان ما بلد نیستند با مردم حرف بزنند. مانند این است که یک نفر بخواهد با زبان فارسی با یک فرد انگلیسی‌زبان صحبت کند! او اصلاً نمی‌فهمد تو چه می‌گویی. اکنون بسیاری از تربیون‌های رسمی ما این گونه است، حتی تربیون‌های نماز جمعه ما هم بعضی از ائمه جمع‌موقت با مصداق بارز این وضعیت بلد نیستند با مردم حرف بزنند

یکشیم. خودم یک هشتک دارم به نام «اشتباهات من». یعنی در این نقدها، همه را به خودم می‌گیرم و می‌گویم اگر من این کار را کرده‌ام اشتباه کرده‌ام. اصلاً ۱۰ یا ۱۵ درصد که نمی‌تواند جلوی تهدیدات بایستد! بلکه این ملت است که وقتی به کشور حمله شد، در هر جایی که می‌توانست هدف قرار بگیرد، ایستادگی و پشتیبانی کرد. نه کسی دعوت به شعار دادن کرد و نه جمعی صورت گرفت؛ حتی اعتراض ملی که دشمن روی آن حساب ویژه‌ای باز کرده بود، رخ نداد.

شما به سه گانه‌ای اشاره کردید که در این جنگ باعث پیروزی ما شد. اصلاً از جاهای آسان شروع کنیم. برخی از مسئولان ما بلد نیستند با مردم حرف بزنند. مانند این است که یک نفر بخواهد با زبان فارسی با یک فرد انگلیسی‌زبان صحبت کند! او اصلاً نمی‌فهمد تو چه می‌گویی. اکنون بسیاری از تربیون‌های رسمی ما این گونه است، حتی تربیون‌های نماز جمعه ما هم بعضی از ائمه جمعه موقت با مصداق بارز این وضعیت هستند. بلد نیستند با مردم حرف بزنند. در این سال‌ها همین مطالب را می‌گفتیم. بارها گفته‌ام که ای کاش مرحوم آقای رئیسی بود و می‌گفت از فشارهایی که بعضی از آقایان به ایشان وارد می‌کردند که چرا این وزیر توی اینجوری حرف زده و این خلاف چهارچوب‌های محکم خواست ماست. آقای رئیسی هم بعضی وقت‌ها می‌گفت این وزیر درست می‌گوید، این وزیر هم دارد برای یک جمع جوان‌تر صحبت می‌کند. اما باز به آقای رئیسی فشار می‌آوردند. اگر لازم باشد بعضی وقت‌ها می‌شود یک مقدار پرده را بالاتر زد. ای کاش امروز آقای رئیسی بود و می‌دید که خیلی از چیزهایی که ایشان از خودگذشتگی و دفاع می‌کرد، حداقل از مواضع بنده که وزیر ایشان بودم، الان می‌بینم که بقیه هم دارند همان حرف را می‌زنند. شما چه وقت باور می‌کردید

در حسینیه عزاداری چیز، آقای محمود کریمی سرود ای ایران بخواند و مردم سینه بزنند؟! اگر ضرغامی چند سال قبل این حرف را می‌زد، او را سکه یک پول می‌گردند! ولی جقدر خوب، که تمام اینها را توثیق کردم، آنقدر این مداحی خوب گرفت که رهبر انقلاب هم به ایشان گفتند در حسینیه امام خمینی (ره) «ای ایران بخوان!» الان تمام شهر نبره‌های با تصاویر رهبر انقلاب و هشتک «ای ایران بخوان» نصب شده است. اینجا مطلبی را اضافه کنم، هیچ وقت تا امروز، اینقدر اسلام و ایران با هم ممزوج نشده بودند. زمانی که شهید مطهری کتاب «خدمات متقابل ایرانیان و اسلام» را نوشت، خانم ایشان که در تمام سخنرانی‌های من راجع به شهید مطهری شرکت می‌کرد، یک بار به من گفت «این تعبیری که شما یعنی ضرغامی راجع به شهید ما دارید که گفتید مطهری «شهید راه نقد» بود، دقیقاً همین بود. زمانی که گروه فرهنگیان را نقد کرد، او را تهدید و بعد هم شهیدش کردند. خانم شهید مطهری می‌گفت بهترین تعبیر راجع به همسر من همیشه چیزی است که شما گفتید. همسر شهید مطهری به من گفت: وقتی شهید مطهری کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایرانیان» را نوشت، ساواک اجازه چاپ نمی‌داد و می‌گفت اسم کتاب را عوض کنید، ایران را بیابار اول و اسلام را بیبر دوم. آقای مطهری هم دوست داشت اسلام ابتدای عنوان باشد، هرچند ایشان در آن کتاب ثابت می‌کنند خدماتی که ایرانیان به اسلام کرده‌اند [زاد است.]. ۹۹ درصد، ایرانی‌ها به اسلام خدمت می‌کنند و ما هم باید درست رفتار کنید. درست حرف بزنید، ماده‌قانونه‌تر بگویید و زبان اغوا را کنار بگذارید و زبان اقتناع را انتخاب کنید. یک بار در اعتراضات ۱۴۰۱ گفتیم اینها بچه‌های خود ما هستند که شما می‌گویید کومه‌لش هستند! آیا کومه‌لش می‌تواند اینجوری کشور را به هم بریزد؟ دو ماه به من اعتراض می‌کردند، بعداً رهبر انقلاب گفتند اینها همه خرفه‌های ما و جوانان ما هستند و با باتوم نباید اینها حرف زد. من هنوز جرات نمی‌کنم از طرف خودم این کلمه را بگویم که رهبری عین آن را فرمودند.

امروز همه تربیون‌های رسمی ما می‌گویند نظام از هر موقع دیگری قدرتمندتر است؟ آیا واقعاً

در دوره جنگ، حتی در یک جای ایران گزارشی نداریم که حتی یک تفریک پلاکار در بلند کرده یا یک شعار داده باشد. مطلقاً چنین چیزی نیست. حتی در خارج از کشور. خودم یکبار در برنامه تلویزیونی از عبدالکریم سروش و علی افشاری اسم بردم. همه هم حمایت کردند، دوستانی که در جریان بودند گفتند کار خوبی کردی. تک و توک بعضی از دوستان بودند که می‌گفتند شما چرا بعضی‌ها را تطهیر می‌کنید؟ من گفتم مثل اینکه شما متوجه نیستید که الان تقسیم‌بندی بین وطن‌پرست و میهن‌دوستان و دشمنان وطن و طرفداران اسرائیل و آمریکا است. الان تقسیم‌بندی‌ها عوض شده است.



در دوره جنگ، حتی در یک جای ایران گزارشی نداریم که حتی یک تفریک پلاکار در بلند کرده یا یک شعار داده باشد. مطلقاً چنین چیزی نیست.

مکانیک می‌خواند. من مسئول اتاق کوه بودم و برنامه‌های کوه را هماهنگ می‌کردم و محمد هم می‌آمد. محمد آقا (سرلشکر شهید باقری) یک بچه خوب، قوی و سرحال بود. رفاقت ما از آنجا شروع شد تا روز شهادت ایشان که این رفاقت برقرار بود. محمد هم چند روز قبل از شهادتش این حرف‌ها را زد و راجع به تحول می‌گفت که به او هم حمله شد. قریه‌الی‌الله به ایشان حمله کردند. (حرف من این است که) ما باید اصلاحات را از دست برخی اصلاح‌طلب‌ها نجات بدهیم. اصلاحات برای هر سازمانی بسیار لازم و ضروری است. کشورداری یک هم سازمان است، اصلاحات اجتناب‌ناپذیر است، حداقل در رویه‌ها و روش‌ها. در برنامه‌ریزی وقتی انحراف ایجاد می‌کنی، باید بروی انحراف را حل کنی. خیلی‌ها می‌گویند وقتی هرچقدر اصلاحات انجام می‌دهی جواب نمی‌دهد، برو اصول خودت را نگاه کن، شاید اصول غلط است. تا این حد در برنامه‌ریزی وارد می‌شوند که اصلاً برنامه را دوباره تغییر می‌دهند. ما در مورد جمهوری اسلامی اصولمان ثابت است، درست است و اعتقادی است و قبول داریم. ما قانون اساسی را قبول داریم، در رویه‌ها و روش‌ها غلط زیاد داریم و کار غلط زیاد انجام داده‌ایم. چند شب پیش آقای شهریار زرشناس در رسانه ملی صریح آمد و علیه گشت ارشاد به درستی صحبت کرد. آیا دو سال قبل کسی می‌توانست یک کلمه در این باره بگوید؟ حتماً باید اتفاقی مثل مهسا امینی بیفتد؟ ما دوره «سامهسا» هستیم و وقتی این اتفاق افتاد، اگر روند بی‌حجابی ۵ سال دیگر باید طول می‌کشید، یک دفعه جامعه به سمت بی‌حجابی رفت و دستگاه امنیتی و شورای عالی امنیت ملی ما ترجیح می‌دهد قانون حجاب و عفاف مسکوت بماند و عمل نشود و داریم نتیجه آن را می‌بینیم. این وضعیت، به خاطر برنامه‌ها، رویه و روش‌های نادرست است. اما همان‌ها در این جنگ نشان دادند که ما ایرانی هستیم، ما عاقل وطن داریم و می‌ایستیم. کسانی که شهید می‌شوند مردم هستند، چون منازل مردم عادی را هم زدند، من رفتم با این مردم صحبت کردم. این مردم ثابت کردند که پای کشورشان می‌ایستند. نکته‌ای بگویم. زمانی که وزیر بودم، در دانشگاه شریف صحبت کردم، یکی از سایت‌ها گزینش کرد و جمله‌ای از من به عنوان تیترومنتشر کرد که باعث شد از صحبت‌های من برداشت منفی بشود. من داشتم حرف ضدانقلاب می‌زد. من داشتم تیترومنتشر کرد که باعث خارج‌تشنین را نقد می‌کردم که گفته بود همین بی‌حجابی را ادامه بدهید نظام سرنگون می‌شود. یعنی موجودیت خیرش شده و ما خیلی مشتق شده‌ایم. این از یک جهت خوب است که معلوم شد با اقتدار داریم و روی پای خودمان ایستاده‌ایم و موفق هم شدیم. بنابراین ما باید نگاه خودمان را اصلاح کنیم. می‌خواهم درباره اصلاحات صحبت کنم. وقتی شما دارید برای ۹۰ میلیون نفر خدمت می‌کنید، باید درست رفتار کنید. درست حرف بزنید، ماده‌قانونه‌تر بگویید و زبان اغوا را کنار بگذارید و زبان اقتناع را انتخاب کنید. یک بار در اعتراضات ۱۴۰۱ گفتیم اینها بچه‌های خود ما هستند که شما می‌گویید کومه‌لش هستند! آیا کومه‌لش می‌تواند اینجوری کشور را به هم بریزد؟ دو ماه به من اعتراض می‌کردند، بعداً رهبر انقلاب گفتند اینها همه خرفه‌های ما و جوانان ما هستند و با باتوم نباید اینها حرف زد. من هنوز جرات نمی‌کنم از طرف خودم این کلمه را بگویم که رهبری عین آن را فرمودند.



برای مشاهده متن کامل این گفت‌وگو با رک در اسکن کنید.